

# جابجا کردن سندلی ها

(یادداشت‌ها)

رسول یونان

تیما

## فهرست

۹.....	مقدمه.....
۱۱.....	جابه‌جا کردن صندلی.....
۱۷.....	فستیوالی از عناصر سیال.....
۲۳.....	پس، پیپ چیز دیگری بود.....
۳۱.....	ساعات دقیق حرکت قطارها.....
۳۷.....	رایحه‌ی آذرخش و گنج.....
۴۵.....	کنار زدن پرده در یک نیم‌روز ابری؛ تماشای فرشته‌ی زخمی.....
۵۳.....	قدم زدن در راه‌رهایی.....
۶۱.....	رؤیایی که تحقق می‌یابد.....
۶۹.....	چه صداهایی می‌آیند.....
۷۵.....	جاده‌ای به سمت دریا.....
۷۹.....	صبح روز بعد.....
۸۵.....	سن می‌کله یه خروس داشت.....
۸۹.....	فصل‌ها و موج‌ها.....
۹۵.....	نوشتن با الفبای موسیقی.....
۱۰۳.....	توقف کنار جنگل در یک شامگاه برفی.....



## مقدمه

این کتاب حاوی برخی از یادداشت‌های من است درباره‌ی هنر و ادبیات و پدیده‌ها. غیر از سه یادداشت با عنوان‌های جابه‌جا کردن صندلی‌ها، چه صداهایی می‌آیند و صبح روز بعد، همگی آن‌ها محصول سال‌های دور پر از شور و اشتیاق جوانی است که همان وقت‌ها در روزنامه‌ها و مجلات چاپ و منتشر شده‌اند. این یادداشت‌ها، که برای چاپ در این کتاب کمی مورد جرح و تعدیل واقع شده‌اند، صرفاً در تبیین و معرفی پدیده‌ها و آثار هنری و ادبی نگاشته شده و اصراری برای ارائه‌ی نظرات و آرای شخصی نگارنده ندارند.

در بررسی رمان‌ها و فیلم‌ها و تابلوها و سوزدهای مورد بحث در این کتاب، شیوه‌ها و رهیافت‌های گوناگونی مثل زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی را مطمح‌نظر قرار داده درعین حال هرگز فراموش نکرده‌ام که «حقیقت در پیش همه» و «درنهایت هرکس یک سلیقه است». اگر در نوشته‌ای هم در هیئت منتقد ظاهر شده‌ام، سعی کردم از گرایش‌های فردی و شخصی اجتناب و از بروز احساسات در ارزش‌گذاری‌ها جلوگیری کنم، چراکه «من»، یعنی فرد، امر کلی نیست. امر کلی، امر شماست.

رسول یونان

تابستان ۱۳۹۶